

هو الله

ای خدا تو شاهی و گواهی که در دل و جان آرزوئی ندارم جز آنکه برضایت موفّق گردم و بعبودیت مؤید شوم بخدمتت پردازم و در کرم عظیمت بکوشم و جان و دین را در راحت فدا نمایم توئی دانا توئی بینا هیچ آرزوئی جز این ندارم که از محبت سر بکوه و صحرا نهم و فریاد بظهور ملکوت نمایم و ندایت را بجمیع گوشها برسانم ای خدا این بی چاره را چاره‌ئی بخش و این دردمند را درمانی ده و این مریض را علاجی عطا کن با قلبی سوزان و چشمی گریان بدرگاهت مناجات مینمایم ای خدا در سیلت هر بلائی را مهیا هستم و هر صدمه‌ئی را بجان و دل آرزو نمایم ای خدا از امتحان محافظه نما تو میدانی که از هر چیزی گذشته‌ام و از هر فکری فارغ شده‌ام جز ذکر تو شغلی ندارم و جز خدمت آرزوئی نخواهم ع ع

این سند از [کتابخانه دیجیتال](http://www.bahai.org/fa/legal) بایبلی داندلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۲۶ اکتبر ۲۰۲۱، ساعت ۳:۰۰ بعد از ظهر